



دیدن روی ترا دیده جان بین باید
وین کجا مرتبه چشم جهان بین من است

حافظ

مفهوم جهان بینی و اقسام آن

(۲)

اقسام جهان بینی

همانطوریکه اشاره شد ، اندیشه‌ی بشری به مرز علم محدود نمی‌شود ، بهمین جهت در مسائل کلی جهان چون آغاز و انجام جهان جوهر ، خدا ، عقل ، مثال ، فرشته ، بود و نمود ، غایت خلقت و یامسائل کلی انسان چون پیدائی آدمی ، منشاء شعور ، پیدائی حیات متعالی ، کلیات ذهنی سر نوشت بشر ، دوزخ و بهشت... که از دسترس تجربه‌ی علمی بدورند سایه‌ی فلسفه را می بینیم .

دید فلسفی که ضرورت حیاتی انسان است بدو صورت اساسی و متقابل متافیزیکی و مادی یا تزله‌ی و آنتی تزله‌ی الحادی شکل می‌گیرد .

الف- دید متافیزیکی - این دید بر اساس دو پایدگی و دوگانگی قرار داشته و قائل بدو جهان مجرد و ماده می‌باشد در واقع این دو اصل زیر بنای دید متافیزیکی را می‌سازد . و دید متافیزیکی نیز بنوبه‌ی خود به سه جهان بینی دینی ، عرفانی و فلسفه‌ی الهی تقسیم می‌شود .

۱- جهان بینی دینی - این جهان بینی تمام مسائل آفرینش را به خدا نسبت داده و پیوند همیشگی او را با جهان حفظ می‌کند .

در جهان بینی دینی ، میان انسان و خدا دو گونه ارتباط برقرار است .

۱/۱- رابطه‌ی تکوینی ، که توجیه کننده‌ی مسئله‌ی آفرینش جهان و انسان است .
و در این رابطه عنایت الهی نسبت بهرم وجودی در حد استعداد ذاتی او می‌باشد . بنابراین

☆ آقای دکتر محمد پیشوائی کارشناس خبر رادیو و تلویزیون ملی ایران یکی از پژوهشگران معاصر .

حکومت قوانین طبیعی برعالم همان پیوند وجودی واجب الوجودی تمام موجودات میباشد.
 ۱/۲- رابطه تشریحی که توجیه کننده‌ی روابط اخلاقی، سیاسی، حقوقی، عاطفی و کلامی است و عنایت ادیان باین بخش بیشتر است زیرا هدف دین سلطه‌ی اخلاقی و اجتماعی در لوای ایجاد اندیشه‌ی متافیزیکی است. در این رابطه است که مسئله‌ی اصول دین مطرح شده و واسطه‌ی خلق و خالق بصورت پیامبر تجلی میکند و پیامبر با پشتوانه‌ی دوزخ و بهشت به تحکیم پیوند انسان با خدا پرداخته و بصورت یک رهبر اجتماعی ظاهر میگردد.
 ۲- جهان بینی عرفانی- در این جهان بینی بیشتر بر رابطه‌ی نفسانی انسان با خدا تکیه میشود. در واقع عرفان میکوشد بجای رابطه‌ی تشریحی که توسط پیامبران برقرار میشود، رابطه‌ی نفسانی را جایگزین سازد. بهمین جهت آنچه در دین غایت شمرده میشود در عرفان بعنوان مقدمه قابل استفاده است.

زیرا عبادات دینی، اگر با خلوص انجام شوند، در دین غایتند ولی در عرفان، مقدمه‌ای برای پیوند انسان، با خدا هستند و اگر این پیوند از سکوت بهتر بدست آید باید بسکوت پرداخت، بهمین جهت است که دین و عرفان در عین حالی که در بسیاری از مراحل تداخل دارند، ولی در خیلی از موارد، در برابر هم میایستند. چنانکه شمس تبریزی میگوید: «بعضی کاتب وحی اند، و بعضی محل وحی اند، جهدکن تا هر دو باشی هم محل وحی باشی، و هم کاتب وحی خود باشی.»^{۱۴} در صورتی که علم کلام که مدافع جهان بینی دینی است وحی را منحصر در پیامبران میدانند و دلیل آنرا نیز معجزه میشناسد^{۱۵} ولی عرفان بر احوالی همه را مستعد پذیرش وحی میدانند.

و در مورد «شهاب هریوه» که منکر رستاخیز بود گوید: «آن شهاب اگر چه کفر میگفت اما صافی و روحانی بود، روح محض شده غذای ازورفته.»^{۱۶}

۳- جهان بینی فلسفی الهی- این جهان بینی، با باورداشت جهان مجرد و مادی میکوشد، که رابطه‌ی ایندورا بصورت منطقی توجیه کند، زیرا ماده، امری مرده، ناقص، تیره و متحرک است در صورتی که ذات الهی نور، وجود، کمال و ثابت است و در سختی علت و معلول، مسانیت میان خدا و ماده وجود ندارد. و از طرفی ماده متکثر بوده ولی ذات الهی وحدت دارد، و امکان صدور کثیر، از واحد را، اندیشه‌ی فلسفی رد میکند، بهمین جهت است که فلسفه‌ی الهی بدون اینکه دو اصل ماده و مجرد را، رد کرده و یا مانند دین از مشکل صدور کثرت، از وحدت چشم پوشی کند، به توجیه منطقی مسئله پرداخته و بوسیله میانجی عقول، آنرا حل کرده است. و نقش خلقت و آفرینندگی کثرات عالم مادی را با آنها سپرده است. در فلسفه‌ی مسئول الهی، بیشتر مسائل تکوینی مطرح است: مانند مسئله‌ی واجب الوجود، جهان عقول، جهان افلاک، جهان نفوس و جهان انسان، حیوان، نبات، جماد و پیوند طبیعی آنها با یکدیگر، و حرکت صعودی موجودات مادی بسوی جهان مجرد و کامل. فلسفه‌ی الهی میان مادی و موجودات عالی ذی نفوس دو نحوه رابطه برقرار میکند:
 ۳/۱- رابطه‌ی تکوینی وجودی، که همواره از ذات الهی و جهان عقول به ترتیب نزولی وجود افاضه میشود. و بهمین جهت یکی از صفات الهی قیوم است.

۳/۲ - رابطه‌ی شعوری، که میان عقول و خدا و میان نفوس فلکی و نفوس انسانی با خدا و عقول برقرار است و تکامل انسان در این فلسفه بمیزان درجه‌ی شناخت موجودات عالی و برتر است و تا حدودی بهشت و دوزخ نیز با همین معیار منجیده شده و عقاب و پاداش نیز با همین شناخت رابطه‌ی مستقیم دارد و در همین موارد است که فلسفه غایتی غیر دینی پیدامی‌کند.

ب - دیدمادی، از دیدمادی بجهان بینی علمی و مادی تعبیر می‌شود. البته جهان بینی علمی، بمعنی دید علمی نیست بلکه از آنجائی که بیشتر سعی اش بر اینست که از علم مدد بگیرد، طرفداران دیدمادی نام آنرا جهان بینی علمی گذارده‌اند، و گرنه همانطوریکه قبلاً یادآور شدیم، قلمرو علم بسیار محدود است ولی قلمرو اندیشه‌ی بشری بآن محدود نشده است. پس جهان بینی علمی، نیز یکنوع جهان بینی فلسفی است، البته نه متافیزیکی. در جهان بینی مادی همه چیز بامعیار ماده و خواص ماده توجیه شده و فرق اساسی آن، با جهان بینی متافیزیکی بصورت زیر است.

۱- تفاوت در اصول، جهان بینی متافیزیکی بدو اصل مجرد و ماده معتقد است ولی جهان بینی مادی منکر جهان مجرد است بهمین جهت بردنیای عقول دهگانه‌ی ابن سینا و عقول بینهایت سهروردی خط بطلان کشیده و دنیای مثال افلاطونی ملاصدری و سهروردی و جهان مجرد نفوس انسانی نیز همان سرنوشت عقول را دارند.

۲- تفاوت در همخوانی با علم، جهان بینی متافیزیکی متعهد نیست که همه‌جا با علم همگام باشد و حتی چنین کوششی هم ندارد ولی جهان بینی مادی کوشش دارد که همواره در حریم علم باشد و بهمین جهت مسائلی که از علم زیاد فاصله داشته و انتزاعی محض باشد مورد انکار وی قرار می‌گیرند.

۳- تضاد در جهان مجرد، جهان بینی متافیزیکی با باور داشت جهان مجرد، مسئولیت دفاع و اثبات خدا، عقل و نفس را بر عهده گرفته است ولی درست در مقابلش جهان بینی مادی، قرار گرفته که خود را موظف با بطلان جهان مجرد، و سازمان آن میداند.

جهان بینی مادی والهی همانند دو خط موازی می‌مانند، که هیچکدام یکدیگر را قطع نمی‌کنند.

بقول مولوی .

رگ رگ است این آب شیرین آب شور درخلائق میرود تانفخ سبور .

۱۴ - مقالات شمس تبریزی - چاپ عطائی ص ۲۴۹

۱۵ - شرح تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی ص ۲۷۹-۲۷۱

۱۶ - مقالات شمس ص ۲۸۵